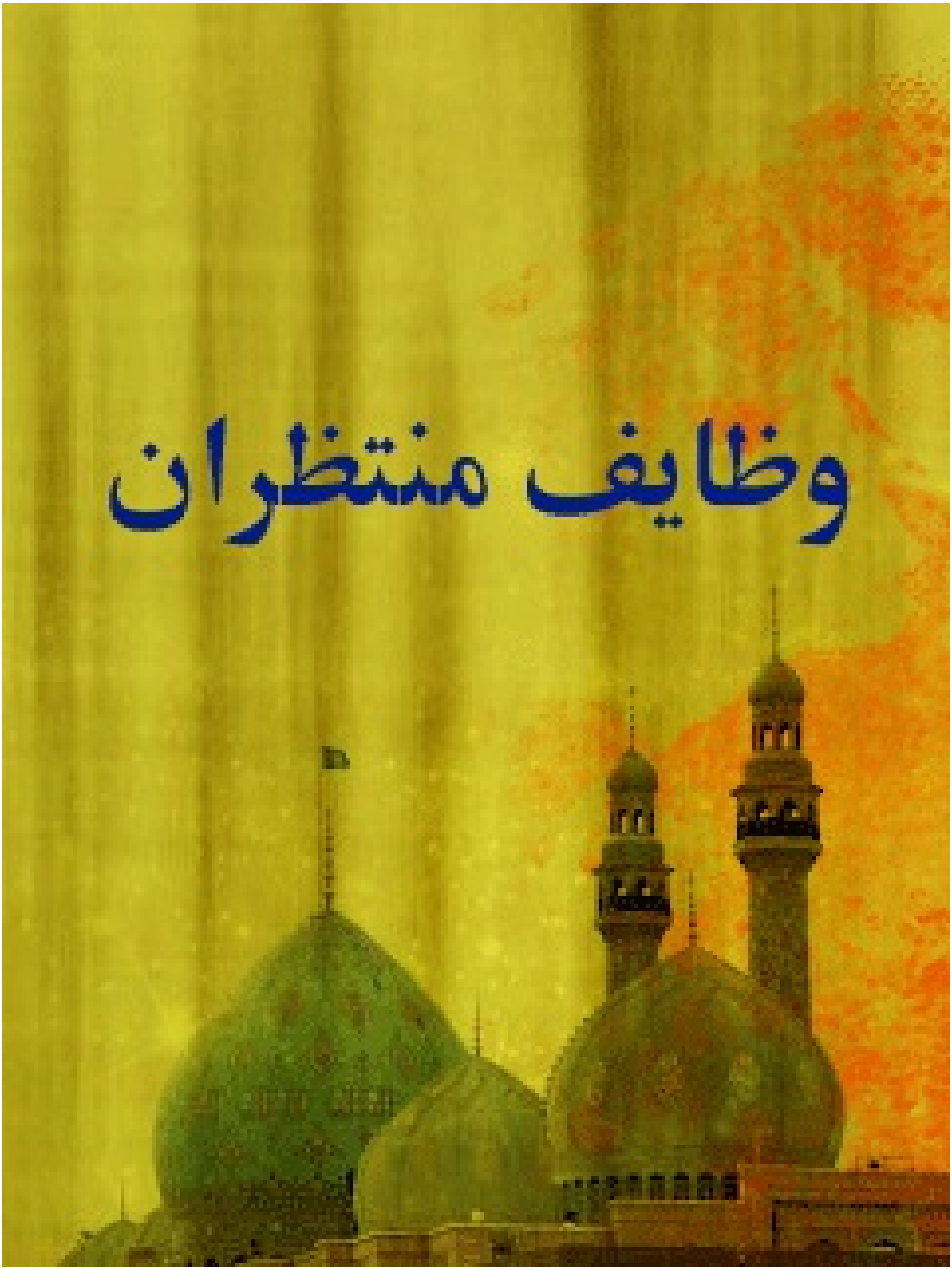
وظایف منتظران



بسم الله الرحمن الرحیم

وظایف منتظران

نویسنده:

مجله حوزه

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

وظایف منتظران

مشخصات کتاب

طلیعه

طلیعه

(یا صاحب‌الزمان ادرکنا)

نهان‌زیستی امام زمان-علیه‌السّلام- هرگز به معنای وانهادگی کامل انسان‌ها، تعطیل گشتن احکام و تکالیف الهی، و بی‌رهبر و پیشوا ماندن مسلمانان و شیعیان نیست.

امام در غیبت هم، آثار وجودی فراوان در نظام تکوین و تشریع دارد. امام غایب چونان خورشیدی است که در پس‌پردهٔ ابر مانده باشد[۱]، فیض وجود او سبب استقرار زمین و استمرار حیات زمینیان است.

«... لَوخَلَتِ الْاَرضُ ساعَةً واحِدَةً مِنْ حُجَّةٍ لِلّهِ، لَساخَتْ بِاَهلِها»[۲]. امیرالمؤمنین-علیه‌السّلام-

«اگر زمین حتی یک ساعت از حجت خدا خالی بماند، اهلش را در خود فرو می‌برد».

«... اِنّی لَامانٌ لِاَهْلِ الْارضِ کَما اَنَّ النُّجومَ اَمانٌ لِاَهْلِ السَّماءِ...»[۳]. امام زمان-علیه‌السّلام-

«من موجب امنیّت اهل زمین هستم، همچنانکه ستارگان سبب امنیّت اهل آسمان هستند».

آثار هدایت وجلوه‌های عنایت امام زمان-علیه‌السّلام- در همه جای زمین و زمان پیدا است. بارش باران و نزول رحمت‌های الهی، رویش گیاهان و پیدایش نعمت‌های فراوان، طلوع و غروب خورشید و انتظام روز و ماه و سال، گردش زمین و استقرار آسمان و بقای افلاک، همه به برکت وجود او است.

«بِیُمنِهِ رُزِقَ الوَری وَ بِوجودِهِ ثَبَتَتِ الْاَرْضُ وَ السَّماءُ»[۴].

«به برکت او است که آفریدگان روزی داده می‌شوند و به وجود او است که زمین و آسمان ثابت و پایدار می‌ماند».

با چنین باورداشتی آنان که در دوران غیبت حضرت مهدی-علیه‌السّلام- به سر می‌برند، و از تابش مستقیم نور جمال او بر ساحت زندگی فردی و اجتماعی خویش محرومند، نه تنها تکالیفی را که در زمان حضور هر یک از امامان-علیهم‌السّلام- بر دوش همگان بوده، بلکه وظایفی ویژه را نیز بر عهده دارند.

در این نوشتار مختصر برآنیم تا برخی از مهم‌ترین این تکالیف را بگونه‌ای اجمالی برشماریم، باشد تا تذکّری به شمار آید و ارادتی را برانگیزاند و حسّ مسئولیتی را تقویت کند.

واحد تحقیقات مسجد جمکران

پازده شعبان ۱۴۲۰

پاییز ۱۳۷۸

---

[۱] . کمال‌الدین، شیخ صدوق، ج۲، ص۴۸۵.

[۲] . بحارالانوار، مجلسی، ج۵۱، ص ۱۱۳.

[۳] . کمال الدین، ج۲، ض۴۸۵. منتخب‌الاثر، ص۲۶۷.

[۴] . دعای عدیله.

شناخت و اقتدا به امام زمان(علیه السلام)

شناخت و اقتدا به امام زمان(علیه السلام)

شناخت

امام زمان–علیه‌السّلام– و ویژگی‌های او را، دوباره باید شناخت.

امامت و نقش آن را دیگرباره با دیدی عمیق‌تر و در گستره‌ای وسیع‌تر باید بررسی کرد.

راستی چرا عدم شناخت امام زمان–علیه‌السّلام– همپای شرك و جاهلیت، و تکذیب او همردیف کفر و بی‌ایمانی شمرده شده است؟

«مَن ماتَ وَ هُوَ لایَعرِفُ اِمامَه، ماتَ میتَةً جاهِلیّةً»[۱]. رسول اکرم–صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم–

«کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است».

«مَن کَذّبَ بالمَهدِیّ کَفَرَ»[۲] رسول اکرم–صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم–

«کسی که مهدی را تکذیب کند کافر است».

چرا در دعای شریفه می‌خوانیم:

«... اَللّهُمَّ عَرِّفْنی حُجّتَک، فَاِنَّکَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنی حُجَّتَکَ ضَلَلْتُ عَنْ دینی»[۳].

«خدایا حجّت خویش را به من بشناسان، که اگر حجّت خود را به من نشناسانی، از دینم گمراه خواهم شد».

آیا غیر از این است که جز با شناخت امام، راه هدایت را نمی‌توان شناخت و جز با معرفت او، به معرفت دینی نمی‌توان دست یافت؟

به یقین شناخت امام عصر–علیه‌السّلام– که کلید همهٔ معارف وحی است، با یادگیری نام‌ها و القاب و تاریخ ولادت و غیبت او حاصل نمی‌شود.

باید در حکمت نام‌ها و نشان‌های او اندیشه کرد.

باید در شگفتی‌های ولادت و حیات او تأمل نمود.

باید غیبت پر رمز وراز او را به بررسی نشست و عوامل و لوازم آن را با نگاهی مسئولانه جستجو کرد.

باید در کلمات و فرمایشات امام–علیه‌السّلام– دقّت کرد.

باید در نامه‌ها و فرامین او تدبّر نمود.

باید آنچه را که سبب خوشنودی و ناخشنودی او است، باز شناخت.

باید اهداف و آرمان‌های او را فهمید.

این اندیشه و تأمل و بررسی و دقّت و تدبّر و فهم و شناخت، مقدّمه‌ای تعهّد آفرین برای اطاعتی تعبّدآمیز از امام زمان –علیه‌السّلام– است؛ و چنین اطاعتی عین اطاعت از خدا و پیامبر–صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم– است که غایت ایمان و اسلام به شمار می‌آید.

اقتدا و تاسی

«اقتداء» از ریشهٔ «قدوة»، و به معنای الگو قرار دادن و جلودار دانستن مقتدا است، چنانکه «تأسی»، از ریشهٔ «اُسوة» و به معنای اسوه قرار دادن و تبعیّت کردن از اوست.

امام زمان–علیه‌السّلام– امام زمانه است، امام همهٔ انسانها در همهٔ ابعاد زندگی است. امام‌وار زندگی کردن وظیفه‌ای همگانی است، به او باید اقتدا کرد تا به مقصد رسید. چون او باید زیست، تا بتوان به کمال دست یافت.

آن کس که خود را صادقانه پیرو امام زمان–علیه‌السّلام– می‌شمارد، به همان اندازه که ویژگی‌های او را می‌شناسد، در همسو کردن زندگی، همسان نمودن خُلق و خو، همرنگ ساختن اعمال و رفتار خویش با او وظیفه دارد.

اگر امام زمان–علیه‌السّلام– را به زهد و بی‌اعتنایی به دنیا شناختیم[۴]، دیگر نمی‌توانیم با ادّعای پیروی از او حریصانه به دنبال دنیا باشیم و همت خود را در نیکو پوشیدن و خوب خوردن و لذّت بردن خلاصه کنیم.

اگر امام زمان–علیه‌السّلام– را به اهتمام در دعا و عبادت‌ها شناختیم[۵]، دیگر نمی‌توانیم نسبت به دعاها بی‌تفاوت بمانیم و در نماز و راز و نیاز با خدا سستی و کم‌توجهی روا داریم.

اگر امام زمان–علیه‌السّلام– را به عادل بودن و عدالت گستری شناختیم[۶]، دیگر نمی‌توانیم با ادّعای اقتدای به او بر بندگان خدا ستم کنیم و نسبت به ظلمی که بر دیگر بندگان خدا می‌شود، بی‌تفاوت بمانیم.

اگر امام زمان–علیه‌السّلام– را به ...

«راستی خوشا به حال آن کس که قائم اهل بیت پیامبر–صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم– را درک کند در حالی که در زمان غیبت و دوران قبل از قیام او به او تأسی جوید»[۷].

---

[۱] . میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۷۱.

[۲] . الفتاوی الحدیثیه، ابن حجر هیثمی، ص ۳۷.

[۳] . اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۵.

[۴] . «ما لباس القائم الّا الغلیظ و ما طعامه الّا الجشب». امام رضا–علیه‌السّلام– : «لباس قائم ما–علیه‌السّلام– چیزی نیست جز پوشاکی خشن و غذای او چیزی نیست طعامی خشک». غیبت نعمانی، منتخب الاثر، ص ۳۰۷.

[۵] . کثرت دعاهای وارده از امام زمان–علیه‌السّلام– و نمازهای طولانیِ مخصوص آن حضرت –که در کتب روایی نقل شده– بهترین نشانهٔ این ویژگی است.

[۶] . «یعدل فی خلق الرحمان، البرّ منهم و الفاجر». امام باقر–علیه‌السّلام–

«امام زمان–علیه‌السّلام– در بین آفریدگان خدا به عدالت رفتار می‌کند، چه نیکوکار باشند و چه بدکار». منتخب‌الاثر، ص ۳۱۰.

[۷] . «طوبی لمن ادرک قائم اهل بیتی و هو یأتمّ به فی غیبته قبل قیامه...». پیامبر–صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم– بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۲.

اطاعت‌پذیری و احترام

اطاعت‌پذیری و احترام

اطاعت پذیری

امامت یک امام جز با اطاعت امّت از او، و پیشوایی یک رهبر جز در سایهٔ فرمان‌پذیری پیروانش، تحقّق نمی‌پذیرد. خدا هیچ پیامبری را نفرستاد مگر برای آنکه اطاعت شود[۱].

و هیچ امامی را مقرّر نداشت مگر آنکه مردم را به اطاعت و فرمانبری از او فرا خواند[۲].

امام زمان–علیه‌السّلام– اگر چه در پس پردهٔ غیبت است، اما اراده و فرمانش در میان همهٔ خلایق جاری و نافذ است، دستوراتش را باید شناخت، فرمان‌هایش را باید اطاعت کرد، حاکمیّت او را باید گردن نهاد، و همین‌ها است که زمینهٔ ظهور را فراهم می‌آورد.

او خود فرمود:«و لو انّ اشیاعنا وفّقهم الله لطاعته، علی اجتماع من القلوب فی‌الوفاء باعهد علیهم لما تأخّر عنهم الیمن بلقائنا».

«اگر شیعیان ما–که خداوند آنان را به اطاعت خویش موفّق گرداند– در وفای به عهد الهی هم‌دل و هم‌پیمان می‌شدند، سعادت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد»[۳].

به راستی آیا عهد الهی چیزی جز پرستش و بندگی خداست؟[۴] و آیا این پرسش جز با اطاعت محضِ ولیّ خدا تحقّق‌پذیر است؟

«طوبی لشیعهٔ قائمنا المنتظرین لظهوره فی غیبته، المطیعین له فی ظهوره».

«خوشا به حال شیعیان مهدی قائم–علیه‌السّلام–، آنان که در دوران غیبت او چشم انتظار ظهور اویند و در دوران ظهورش سرسپردگان اوامر او»[۵].

منتظرین حضرت مهدی–علیه‌السّلام– همان نیکبختانی هستند که اگر در حضور او باشند، جز اطاعت نمی‌شناسند و جز به فرمان او کاری انجام نمی‌دهند.

و باز هم امام صادق–علیه‌السّلام– می‌فرماید: «هُم اطوع من الامهٔ لسیدها». «اطاعت و فرمان‌پذیری منتظرین از امام زمان –علیه‌السّلام– افزون‌تر از اطاعت و فرمانبری کنیزی از مالک و مولای او است»[۶].

تکریم و احترام

تنها بزرگواری که«از جا برخاستن» در هنگام شنیدن یا خواندن نام شریفش لزوم، یا حداقل استحباب فراوان دارد،امام غائب قائم موعود–علیه‌السّلام– است.

تکریم کریمان و تجلیل از صاحبان جلالت، همیشه و در همه‌جا پسندیده است؛ چنانکه برای پیامبرصلی و فرزندان معصومش–علیهم‌السّلام– بالاترین تکریم‌ها و تجلیل‌ها بایسته به نظر می‌رسد، لکن برخاستن و در حالت قیام«دست بر سر نهادن» تواضع و احترامی است که هنگام شنیدن نام هیچ کسی جز «قائم آل محمّد–صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم–» به صورت سیره و سنّت در نیامده است.

امام رضا–علیه‌السّلام– را در خراسان می‌دیدند که در موقع ذکر نام «قائم» برمی‌خیزد و دست بر سر می‌نهد و می‌فرماید:«خدایا فرجش را تعجیل فرما و قیامش را آسان گردان»[۷].

از امام صادق–علیه‌السّلام– پرسیدند: سبب برخاستن به خاطر ذکر لفظ«قائم»–از القاب امام حجّت–علیه‌السّلام– چیست؟

فرمود: زیرا او را غیبتی طولانی است،و او را شدّت مهربانی خود نسبت به دوستانش، هر کس را که به این لقب از او یاد می‌کند به دیدهٔ عنایت می‌نگرد، زیرا این لقب یادآور حکومت او و برانگیزانندهٔ حسرت غربت اوست. به خاطر بزرگداشت اوست که باید بندهٔ خاضع و فروتن، هنگامی که مولای گرامی او با دیدگان شریفش به او نگاه می‌کند، برخیزد و احترام کند و تعجیل فرج او را از خدای تعالی بخواهد[۸].

بی‌تردید این«برخاستن» که به فرمایش امام صادق–علیه‌السّلام– یادآور قیام و حکومت حضرت مهدی–علیه‌السّلام– است، تنها به انگیزهٔ احترام صورت نمی‌گیرد، بلکه دلالتی بر آمادگی شیعهٔ منتظر،برای قیام و همراهی با مولای خویش نیز دارد.

پیام این «قیام»؛ هم احترام به «قائم» است، هم همسویی با آرمان‌های بزرگ «قیام جهانی او». پیام این«قیام»؛ هم واکنش در مقابل نگاه مهرآمیز «مولای غایب» است، هم بیعتی برای همراهی با او در«روزظهور».

پیام این«قیام»؛ هم اکرام«قیام قائم» است، و هم اعلام آمادگی برای«قیام». و شاید چون چنین است ذاکر این نام، شایستگی نگاه لطف و نظر عنایت مولایش را پیدا می‌کند.

«یَنظُرُ اِلی کُلِّ مَنْ یَذْکُرُهُ بِهذَا اللَّقَبِ الْمُشْعِرِ بِدولَتِهِ»[۹].

---

[۱] . «وَ ما اَرسَلنا مِن رَسولٍ اِلّا لِیُطاعَ بِاِذنِ الله». سوره نساء، آیه ۶۴.

[۲] . «اَطیعوا اللهَ وَ اَطیعوا الرَّسولَ وَ اُولِی الْاَمرِ مِنکُم». سوره نساء، آیه ۵۹.

[۳] . احتجاج، طبرسی، چاپ اسوه، ج۲، ص ۶۰۲.

[۴] . «اَلَم اَعهَد اِلَیکُم یا بَنی آدمَ أن لاتَعبُدوا الشَّیطانَ اِنَّهُ لَکُم عَدُوٌّ مُبینٌ– وَ اَنِ اعْبُدونی هذا صراطٌ مستَقیمٌ».

«ای فرزندان آدم! آیا با شما عهد نکردم که شیطان را میرستید که دشمن آشکار شما است– و مرا بپرستید که همین است راه

راست». سوره یس، آیه ۶۰-۶۱.

[۵] . بحارالانوار، ج۵۲، ص ۱۵۰.

[۶] . بحارالانوار، ج ۵۲، ص۳۰۸.

[۷] . منتخب الاثر، آیهٔ الله صافی، ص۵۰۶.

[۸] . مدرک پیشین، همان صفحه.

[۹] . همان مدرک.

انتظار، یاد ومحبت

انتظار، یاد ومحبت

انتظار

همانند کسی که در پیِ شب یلدایی، خسته از ظلمت و تیرگی، چشم به افق دوخته و دمیدن خورشید را آرزو می کند.

همانند کسی که در بیابانی بی‌انتها سرگردان مانده، تنها و وحشتزده رهنمایی را می‌طلبد.

همانند کسی که پس از تشنگی‌های بسیار، با پنجه‌هایی دردمند، زمین را کنده و در آرزوی جوشش آبی گوارا«له‌له» می‌زند.

همانند کسی که در قحط سال بی‌باران، در کنار مزرعهٔ عطش‌زده‌اش، به امید پدیدار گشتنِ‌ابر رحمت دیده، به کرانه‌های آسمان چشم دوخته است.

همانند کسی که در حین بالا رفتن از کوهی، پایش لغزیده و دست به سنگی گرفته و کمک‌دهنده‌ای را فریاد می‌زند.

همانند کسی که در کنار بستر بیماری عزیز، ترسان از جان دادن او، ورود طبیبی درد آشنا را لحظه‌شماری می کند.

باید انتظار کشید، باید دیده به راه امام زمان–علیه‌السّلام– بود،باید هر صبح و شام چشم انتظار فرج ماند[۱].

«فتوقّعوا الفرج کلّ صباح و مساء...». امام صادق–علیه‌السّلام–

منتظر ظهور امام زمان–علیه‌السّلام– بودن، حرکت به سوی ظهور داشتن و عمل به آرمان‌های موعود نمودن است. و چنین انتظاری خود فرج و گشایش به حساب می‌آید[۲].

جامعهٔ منتظر جامعه‌ای پویا است. جامعه‌ای متحرّک و فعّال است که حاکمیّت طاغوت را نفی می کندو بی‌عدالتی را برنمی‌تابد.

انتظار منتظر، انسانی کوشاست، انسانی جهادگر و مبارز است که در مسیر اقامهٔ توحید و استقرار و لایت از نثار هر چه دارد، دریغ نمی‌ورزد.

«المنتظر لامرنا کالمتشحّط بدمه فی سبیل‌الله».

«کسی که چشم انتظار حاکمیّت ما باشد، مانند مجاهدی است که در راه خدا به خون خویش غلطیده باشد».

یاد

اگر کسی امام زمان–علیه‌السّلام– را شناخت، دیگر یادش را از خاطر نخواهد برد.

اگر کسی مهربانی‌های او را دید، دیگر فراموشش نخواهد کرد.

اگر کسی احساس انس با امام زمان–علیه‌السّلام– کرد، آنگاه همیشه به یادش خواهد بود.

راستی مگر می‌شود کسی که پدرش را، برادرش را، دوست مشفق و دلسوزش را از یاد نمی‌برد، امام زمانش را به فراموشی بسپارد؟!

حق کدامین پدر افزون‌تر از حقوق امام زمان–علیه‌السّلام– است؟ کدام برادر مهربان‌تر از او است؟

دلسوزی چه دوستی بیشتر از دلسوزی‌ها و محبّت‌های او است؟

او خود خطاب به شیعیانش می‌فرماید:«انّا غیر مهملین لمراعاتکم و لاناسین لذکرکم»[۳].

«ما در مراعات حال شما کوتاهی نمی کنیم و یادتان را از خاطر نمی‌بریم».

وقتی او که ذخیرهٔ همهٔ هستی، ثمرهٔ همهٔ رسالت‌ها، منبع همهٔ کمالات، سرچشمهٔ همهٔ خیرات و جلوه گاه همهٔ نیکویی‌ها و زیبایی‌ها است، یاد شیعیان را از خاطر نمی‌برد، آیا رواست فراموشی آنان نسبت به آن امام مهربان!؟

که می‌فرماید:

«... و لو لا ذلک لنزل بکم اللّاواء، و اصطلمکم الأعداء»[۴].

«اگر یاد او نبود بلاهای سخت بر شیعیان فرود می‌آمد و دشمنان آنان را نابود می کردند».

این که او به یاد شیعیانش بود، و برای‌شان دعا کرد، و در فتنه‌های بنیان سوز دورهٔ غیبت عنایت خویش را از آنان دریغ نداشت، باعث استقرار و استمرار حیات ایشان بود، آیا رواست غفلت آنان از او و حقوق آن بزرگوار؟!

محبت

خدا محبّت و مودّت حضرت مهدی-علیه‌السّلام- را در ضمن محبّت سایر اهل بیت پیامبر-صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم- بر همگان واجب نمود.

«قل لا أسألکم علیه اجراً الّا المودّة فی القربی»[۵].

«بگو: من از شما جز مودّت و محبّت خویشاوندانم اجر و مزدی برای رسالت نمی‌خواهم».

دوستی و علاقهٔ به اهل بیت-علیهم‌السّلام- و امام زمان-علیه‌السّلام- به عنوان اجر رسالت نه منفعتی برای پیامبر دارد و نه بهره‌ای را نصیب امام زمان و اهل بیت-علیهم‌السّلام- می‌سازد،بلکه تنها به نفع ایمان آورندگان است و بهره‌های بی‌پایان آنان را در دنیا و آخرت به همراه دارد.

«قل ما سألتکم من اجرٍ فهو لکم»[۶].

«بگو: هر اجر و پاداشی از شما خواسته‌ام برای خود شماست».

در حقیقت همین مودّت‌ها و محبّت‌ها و علاقه و ارتباط‌های روحی و معنوی است که راه سیر به سوی خدا را فراهم می‌آورد و سلوک انسان را در راستای ارادهٔ حق شکل می‌دهد.

«قل ما أسألکم علیه من اجرٍ الّا من شاء أن یتّخذ الی ربّه سبیلاً»[۷].

«بگو: من از میان شما این اجر رسالت نمی‌طلبم، مگر از آن کسان که بخواهند راهی به سوی پروردگار خویش بیابند».

با محبّت امام زمان-علیه‌السّلام- است که زمینه‌های اطاعت از او فراهم می‌آید و با اطاعت از او است که راه کمال انسان به سوی خدا هموار می‌شود.

محبّت اساس و پایهٔ دین، بلکه مساوی دین است[۸]، دین خدا جز با تکیه بر محبّت و ولایت اهل بیت-علیهم‌السّلام- استقرار نمی‌یابد. از این رو انتظارِ حاکمیت و غلبهٔ دین در جهان به نوعی انتظارِ جهانی شدن محبّت و ولایت امام زمان-علیه‌السّلام- است.

و شاید به همین خاطر باشد که امام زمان-علیه‌السّلام- می‌فرماید: «فلیعمل کلّ امرء منکم بما یقرب به من محبّتنا»[۹].

«هر یک از شما باید به آنچه که او را به مقام محبت ما نزدیک می کند عمل نماید».

از این رو اگر عبادتی یا عملی استحبابی یا دعا یا زیارتی خاص بتواند مقدمه‌ای برای ایجاد محبّت بیشتر نسبت به امام زمان-علیه‌السّلام- باشد، انجام آن وظیفه‌ای خواهد بود که با فرمان صریح آن بزرگوار بر عهدهٔ شیعیان قرار گرفته است.

---

[۱] . بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۴۵.

[۲] . «الیس انتظار الفرج من الفرج؟». امام رضا–علیه‌السّلام–
«آیا انتظار فرج از فرج به شمار نمی‌آید؟».
«انتظار الفرج من اعظم الفرج». امام سجاد–علیه‌السّلام–
«انتظار فرج از بالاترین انواه فرج است».مدرک پیشین،ص۱۲۲.
[۳] . احتجاج، طبرسی، چاپ اسوه، ج۲، ص۵۹۸، نامه به شیخ مفید.
[۴] . همان نامه، همان مدرک.
[۵] . سوره شوری،آیه ۲۳.
[۶] . سوره سبأ، آیه ۴۷.
[۷] . سوره فرقان، آیه۵۷.
[۸] . «هل الدّین الّا الحبّ». «آیا دین چیزی به جز دوستی است؟». امام صادق–علیه‌السّلام– تفسیر عیّاشی،ج۱، ص۱۶۷.
[۹] . احتجاج،طبرسی، ج۲، ص۵۹۹.

جستجو و اشتیاق دیدار

جستجو و اشتیاق دیدار

اشتیاق دیدار

شوق دیدار یار را شاید نتوان برای همگان یک وظیفه شمرد، این وظیفهٔ عاشقی است.

این تکلیف سوختگان هجران است.

آن کس که فراق حضرت مهدی–علیه‌السّلام– بی‌تابش کرده،

آن کس که دوری رخ زیبای یوسف فاطمه–علیهاالسّلام– خواب را از چشمانس گرفته،

آن کس که غیبت مولایش راحت و آرامش و آسایش را از او سلب نموده، به چیزی جز دیدار نمی‌اندیشد.

«عزیزٌ علیّ ان اری الخلق و لاتری»[۱].

«بر من دشوار است که مردم را ببینم اما تو دیده نشوی».

دعای ندبه که مناجاتِ زاری‌کنندگان از فراقِ ولیّ عصر–علیه‌السّلام– است، سرشار از این جلوه‌های شوق است. گویا امام صادق–علیه‌السّلام– که خود از مشتاقان حضرت قائم–علیه‌السّلام– بودند، دعای ندبه را به عنوان توافقنامه پر سوز و گداز، در بین شیعه به ودیعت نهاده‌اند تا چگونگی شرح اشتیاق را به سوخته‌بالان آتش فراق بیاموزند:

«جانم فدای تو امام زمان، ای نهایت آرزوی مشتاقان، ای کسی که هر زن و مرد باایمانی دیدار تو را تمنّا می‌کنند و به یاد تو فریاد برمی‌دارند و در فراق تو ناله و زاری می‌کنند»[۲].

مولای ما! سوز عطش به درازا کشید، کی‌آن زمان فرا می‌رسد که از آب گوارای دیدارت سیراب شویم؟

«متی ترانا و نراک؟»[۳].

«کی می‌شود که تو ما را ببینی و ما تورا؟».

جستجو

اگر عزیزی گمشده داشته باشی، تا پیدایش نکنی ممکن نیست آرام بگیری، بلکه شب و روزت به جستجو می‌گذرد. گمشده‌ات هر چه عزیزتر باشد بی‌تابی و سرگردانیت افزون‌تر است.

امام زمان–علیه‌السّلام– در این دوران عزیزترین و گرامی‌ترین موجود روی زمین است، باقی‌ماندهٔ خدا در زمین، خلیفهٔ خدا، وجه خدا، نور خدا، حجّت خدا، یاری‌گر دین خدا، راهنما و سرپرست و پناه بنده‌های خدا اوست، اگر دستت به دامن مهر او نرسد چه می‌کنی؟

ریشه‌کن کنندهٔ ظالمان، برطرف‌سازندهٔ کژی‌ها و انحرافات، از بین‌برندهٔ ستم و تجاوز، تجدیدکنندهٔ واجبات و مستحبّات، احیاگر قرآن و حیات‌بخش معالم دین خدا او است.

اگر در کنارش نباشی و برکات حضورش را درک نکنی چه می‌کنی؟

این که بدانی او کیست، به جستجو وادارت می کند.

این که بفهمی او چه نقشی در زندگی تو و جامعه‌ات دارد، در جستجو بی‌تابت می‌کند.

این که درک کنی او در نزد خدا چه جایگاهی دارد و در تکمیل دین و تحقق آرمان‌های الهی، چه نقش ویژه‌ای را دارا است، جستجویت را رنگی خدایی می‌بخشد.

در دعای ندبه که دعای شیفتگان عاشق و مناجات منتظران دلداده است، جستجویی پرسوز و گداز، در قالب معرفت آموزترین تعبیرات شکل می‌گیرد و تا آنجا پیش می‌رود که سرگردانی و سرگشتگی دعاکنندهٔ جستجوگر را، به نمایش می‌گذارد.

«الی متب احارُ فیک یا مولای وَ الی مَتی و ایّ خطاب اصف و ایّ نجوی؟».

و این خود بیانگر نوعی تکلیف و وظیفه است. شیعهٔ دوران غیبت وظیفه دارد که بنا به تعهّدات خویش در مسیر اهداف ولایت که همان غایات رسالت است تلاش کند و جستجوی امام زمان–علیه‌السّلام– به نوعی برای تحقق همان اهداف است.

---

[۱] . فرازهایی از دعای شریف ندبه.

[۲] . همان.

[۳] . همان.

خدمت و ادای حقوق

خدمت و ادای حقوق

خدمت

وقتی امام صادق–علیه‌السّلام– دربارهٔ حضرت مهدی–علیه‌السّلام– می‌فرماید:«لو ادرکته لخدمته ایام حیاتی»[۱].

«اگر دوران او را درک می‌کردم، همهٔ روزهای زندگیم را در خدمت به او می‌گذرانیم».

اینجا سخن از شخص نیست ،سخن از آرمان هااست، سخن از موقعیت خاص، مأموریت استثنایی و نقش ویژهٔ امام زمان – علیه‌السّلام– در عالمگیر ساختنِ حاکمیّت توحید و برقراری عدالت، جهانی است.

حاکم دنیایی سازمان‌یافته بر اساس توحید، و رهبر جهانی آکنده از برابری و عدالت، آن قدر شایستگی می‌یابد که پیامبری همچون حضرا عیسی–علیه‌السّلام–به یاری او از آسمان فرود آید. و امامی هم چون امام صادق–علیه‌السّلام–برای خدمت کردن به او آرزوی درک حضور او را داشته باشد.

راستی وقتی پیامبران و امامان–علیهم‌السّلام– در خدمت به امام زمان–علیه‌السّلام– پیشتازند، وظیفهٔ شیعیان منتظر در خدمت به ساحت مقدّس او چقدر است؟

بی‌تردید خادمین دوران ظهور، همان خادمین دوران غیبت‌اند.

آنها که پس از ظهور شایستگی خدمت می‌یابند،همانهایند که در دوران غیبت خدمت به امّت امام–علیه‌السّلام– و اهداف امام–علیه‌السّلام– را سر لوحهٔ زندگی خویش قرار داده‌اند.

ادای حقوق

حق امام زمان–علیه‌السّلام– بر همهٔ بندگان و به ویژه بر شیعیان، حق حیات است،حق هدایت است، حقّی نیست که بتوان آن را با معیاری سنجید و ارزش‌گذاری کرد، حقّی نیست که بتوان آن را با دنیا و هر چه در آن است مقایسه کرد.

این حقوق بدون تردید،رعایت حق امامت او،مواظبت بر اطاعت او،نرنجانیدن قلب مبارك او،پاسداری از آرمان‌های او، مجاهدت در راه دفاع از او، و جان‌نثاری در راه تحقق خواسته‌های او است.

«و اعنّا علی تأدیه حقوقه الیه»[۲].

«خداوندا! ما را در ادای حقوق او یاری فرما».

با چنین دیدگاهی، اگر سخن از پرداخت حقوق شرعیهٔ امام زمان–علیه‌السّلام– و برخی وجوهات مادّی نیز به میان می‌آید، باید آن را در همین راستا بررسی کرد؛ چنانکه خود آن بزرگوار در توقیعی فرمود:

«انّه من اتّقی ربّه... و اخرج مما علیه الی مستحقّیه کان آمناً فی الفتنهٔ المبطلهٔ»[۳].

«همانا هر کس تقوای پروردگارش را پیشه کند و از آنچه که به عنوان حقوق شرعیه– خمس و زکات– برعهده دارد به مستحقانش بپردازد، از فتنه‌های باطل‌کنندهٔ دین و دنیا در امان خواهد بود».

سخن در باب وجوب ادای چنین حقوقی این نیست که امام زمان–علیه‌السّلام– چه بهره‌ای از آن می‌برد، بلکه سخن از این است که شیعهٔ حق‌شناس، در راستای حفظ دین و ایمان خویش چه منفعتی برایش حاصل می‌آید.

---

[۱] . بحارالانوار، ج ۵۱،ص ۱۴۸.

[۲] . دعای ندبه.

[۳] . احتجاج، طبرسی،چاپ اسوه،ج ۲،ص ۶۰۲، نامهٔامام زمان–علیه‌السّلام– به شیخ مفید.

خودسازی و دیگر سازی

خودسازی و دیگر سازی

خودسازی و رعایت تقوی

امام صادق–علیه‌السّلام– می‌فرماید:«من سرّه أن یکون من اصحاب القائم فلینتظرو لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر»[۱].

«هر کس می‌خواهد از یاوران حضرت قائم باشد باید انتظار کشد و در عین انتظار به تقوی و خوش خلقی رفتار نماید».

در زمرهٔ یاران حضرت مهدی–علیه‌السّلام–درآمدن، با شعار تحقّق‌پذیر نیست. انتظار می‌خواهد و عمل به ورع. پرهیزکاری می‌طلبد، آنهم در میدان تلاش و مجاهدت.

در غیبت مولا شایسته نیست نشستن و چشم به در دوختن،باید برخاست، باید عمل کرد، باید مسئولیت پذیرفت، باید کوشید، اما براساس ورع و تقوا، نه براساس هوای نفس، و نه به خاطر مال و منال، و نه به خاطر پست و مقام، و نه به خاطر شهوت و محبوبیّت.

انسانی در شمار اصحاب امام زمان–علیه‌السّلام– درمی‌آید که به جهاد اصغر و اکبر عمل نماید.

در راه دفاع از ارزش‌های ولایت از مالش، از امکاناتش، از توانایی‌هایش مایه بگذارد، و بالاتر از آن در راه مبارزه با شیطان و خواسته‌های نفسانی، از لذّت‌هایش، از خوشی‌هایش، از آرزوهایش بگذرد و در مقابل وسوسه‌های مستمرّ شیطان و جاذبه‌های

همیشگی گناه و فریبندگی‌های نیرومند دنیا، مقاومتی سخت و طولانی داشته باشد.

با بی‌مبالاتی و عدم پرهیز از گناه، حتی خود را شیعه نمی‌توان نامید[۲]، تا چه برسد خود را «شیعهٔ منتظِر» دانستن، یا بالاتر از آن خود را «یاور منتظَر» به شمار آوردن!

با خود فراموشی و عدم تربیت نفس و رعایت نکردن حُسنِ خلق، نه تنها سرباز و یاور امام زمان–علیه‌السّلام– نمی‌توان بود،بلکه خود را منتسب به او و شیعهٔ او نیز نمی‌توان شمرد[۳].

دیگر سازی

شیعهٔ دوران غیبت، تنها به خویش نمی‌اندیشد، تنها به هدایت خود و حفظ و نجات خود از ورطهٔ گناه اهمیّت نمی‌دهد. او خود را در سرنوشت دیگران نیز سهیم می‌داند، در یاری رساندن به مردم، در دستگیری افتادگان، در بیدارسازی غافلان، در هدایت گمراهان، در ارشاد گناهکاران، خود را مسئول می‌شمارد.

او تنها به این بسنده نمی‌کند که خود امام زمان–علیه‌السّلام– را می‌شناسد، بلکه می‌کوشد تا دیگران نیز آن مولای حقیقی و پیشوای الهی را بشناسند.

او تنها به این اکتفا نمی‌کند که خود برمبنای صلاح و تقوی رفتار می‌کند، بلکه می‌کوشد تا دیگران را نیز اصلاح کند و دارالامان تقوی رهنمون‌شان باشد.

او تنها به این راضی نمی‌شود که خود در فراق یار بسوزد و در جستجوی آن چشمهٔ حیات گریان باشد، بلکه می‌کوشد تا دیگران را نیز متوجّه محبوب سازد و سوز اشتیاق را در جان‌شان پدید آورد و آنان را برای یاری او آماده سازد.

«عزیز علیّ ان ابکیک و یخذلک الوری»[۴].

«بر من دشوار است که بر تو گریان باشم اما دیگران تو را واگذارند.

از نگاهی دیگر شیعهٔ منتظر، آماده سازی زمینه برای ظهور را، وظیفهٔ خویش می‌شمارد.

برای زمینه‌سازی ظهور باید عِدّه و عُدّه فراهم کرد. فراهم آمدن نیروها و امکانات برای قیام جهانی حضرت مهدی–علیه‌السّلام– تنها بسته به معجزه نیست.

باید همّت کرد، باید دیگران را با امام–علیه‌السّلام– آشنا کرد، باید یاور پرورید، باید این حجاب غیبت را که چهرهٔ جهان‌افروز آخرین خورشید آسمان امامت و عصمت را پوشانده است، با آگاه‌سازی مردم و انگیزش ایمان و تعهد در آنان برطرف ساخت. زیرا خود فرمود:

«فما یحبسنا عنهم الّا ما یتّصل بنا مما نکرهه و لانؤثره منهم».

«آنچه ما را از آنان پوشیده داشته است، چیزی نیست جز اخباری که از کارهای ناپسند و نکوهیده آنان به ما می‌رسد».

---

[۱] . بحارالانوار،ج۵۲، ص ۱۴۰.

[۲] . «... لن ینالوا و لایتنا الّا بالورع». امام صادق–علیه‌السّلام– اصول کافی،ج۲، ص۱۷۶.

[۳] . «کونوا لنا زیناً و لاتکونوا لنا شیناً». امام صادق–علیه‌السّلام– میزان الحکمهٔ.

[۴] . امام صادق–علیه‌السّلام– دعای ندبه.

دفاع و یاری رسانی به دیگران

دفاع و یاری رسانی به دیگران

یاری رسانی به دیگران

در دوران غیبت حضرت مهدی-علیه‌السّلام- که فتنه‌ها فزونی می گیرند و نابسامانی‌های اجتماعی افزایش می‌یابد، بسیارند کسانی که تحت ستم قرار می گیرند و از حقوق مسلّم خویش محروم می‌مانند.

شیعهٔ منتظر اگر چه نتواند تغییری بنیادین در جامعه‌اش ایجاد کند، حداقلّ تا آنجا که توان دارد ضعیفان و بیچارگان را دستگیری می‌نماید، به فقیران و مستمندان عطوفت می‌ورزد، و در خیرخواهی دیگران کوتاهی نمی کند. اسرار نگهدار است، تحمّل مسئولیت می کند، در رفع مشکلات دیگران می کوشد و هرگز کمبودهای مردم را به گردن رهبران معصوم خویش نمی‌اندازد.

در اهمیّت این نکته همین بس که امام محمدباقر-علیه‌السّلام- می‌فرماید: «هر کس که چنین باشد و قبل از قیام قائم از دنیا برود، شهید خواهد بود».

«لِیعِن قَوِیّکُمْ ضَعیفَکُمْ وَ لْیَعطِف غَنِیُّکُمْ عَلی فَقیرکُم، وَ لْیَنْصَح الرَّجُلُ أخاهُ النَصیحَةَ لِنَفْسِهِ، وَاکْتُموا أسرارنا، و لاتُحَمِّلوُا النّاسَ عَلی أعناقِنَا وَانظُرُوا أمْرَنَا... وَ إذَا کُنْتُم کَماَ اوصیناکُمْ لَم تَعدوا إلی غَیرِهِ فَمَاتَ مِنْکُم قَبلَ أن یَخْرجَ قائمنا کانَ شَهیداً...».

و به راستی یکی از زیباترین جلوه‌های بعد اجتماعی انتظار همین یاری‌رسانی‌هاست. کسی که خود را آماده می کند تا در دوران ظهور، در رکاب امام قائم-علیه‌السّلام- خویش، برای براندازی ستم و برقراری عدالت در سراسر گیتی، جهاد و مبارزه داشته باشد، اینک در دروهٔ غیبت نسبت به رنج ستمدیدگان و محرومان و بیچارگان چگونه می‌تواند ساکت و بی‌تفاوت باشد؟!

قوّت و مکنت و خیرخواهی‌اش ابزارهایی هستند که به کارگیری آنها در محدودهٔ بستهٔ اجتماعی‌اش، نشانهٔ آمادگی او برای بهره گیری از آنها در گسترهٔ وسیع دنیای پس از ظهور است.

دفاع

این سنّت خدا است که در همیشهٔ تاریخ، حق و باطل در ستیز بوده و هستند. هیچ پیامبری را خدا نفرستاد مگرآنکه دشمنانی از جن و بشر در مقابل او به صف‌آرایی پرداختند.

«و کذلک جعلنا لکل نبیّ عدواً شیاطین الانس و الجن...».

امام زمان -علیه‌السّلام- نه تنها از این قاعده مستثنی نیست، بلکه به خاطر اهمیّت نقش او در حاکمیت جهانی توحید و عدل، همهٔ ستم‌بارگان و مستکبران و جهان‌خواران، در همهٔادوار تاریخ پرفراز و نشیب غیبت، به ستیزه‌ای همه جانبه با او برخاسته‌اند.

در عصر حاضر نیز همه قدرت‌ها، همهٔ سازمان‌ها و همهٔ کسانی که با آگاهی از اندیشهٔ مهدویّت، عالمگیر شدن پیام اسلام و قرآن را پیش‌بینی می کنند، مبارزه‌ای بی‌امان را پیگیری می کنند.

آنان که وحدت جامعهٔ اسلامی را هدف حملات خود قرار داده‌اند، آنان که ولایت را تضعیف می کنند، آنان که قرآن و معارف انسان‌ساز آن را بی‌اهمیّت بدون کارآیی جلوه می‌دهند، آنان که انقلاب برخاسته از متن اسلام را به باد تهاجم می گیرند، هر کدام به گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم آرمان‌هایی را که باید به دست امام زمان-علیه‌السّلام- تحقق یابد به مخاطره می‌اندازند و در حقیقت با او و پیام‌های او عداوت می‌ورزند.

شیعهٔ منتظر که در دوران غیبت، خود را برای یاری امام زمانش آماده می‌سازد[۱]، از آنجا که یاری او را، یاری اهداف و آرمان‌های او می‌شمارد، بدون این‌که فرقی بین غیبت و ظهور قائل باشد، در هر زمان مقابل توطئه‌ها و عداوت‌های دشمنان امام زمان-علیه‌السّلام- به دفاع از مولای خویش برمی‌خیزد و با تمام وجودش جانفشانی و جانبازی می کند.

امیر المؤمنین-علیه‌السّلام- می‌فرماید:«یَحُفّونَ بِه یَقونَهُ بِاَنفُسهم فی الحُروبِ وَ یَکْفونَه ما یُرید»[۲]. «یاران مهدی -علیه‌السّلام- او را در میان می گیرند و در جنگ‌ها- هر جنگی که باشد- با جان‌های خویش از او حمایت و حفاظت می‌کنند و هر چه بخواهد از جان و دل انجام می‌دهند».

---

[۱] . «و نصرتی لکم معدّه». زیارت جامعه کبیره.

[۲] . ملاحم و فتن، سیدبن طاووس، چاپ نجف، ص۵۲.

تقیّه و استقامت

تقیّه و استقامت

تقیّه

در بسیاری از روایات، نسبت به رعایت تقیّه به ویژه در دوران قبل از ظهور حضرت مهدی–علیه‌السّلام– تأکید شده است. این تأکید در حدّی است که عدم تقیّه را موجب عدم ایمان شمرده‌اند، یا در فرمایشی دیگر موجب بی‌دینی دانسته‌اند.

امام باقر–علیه‌السّلام– فرمودند:

«التقیّهٔ دینی و دین آبائی، و لا ایمان لمن لاتقیّهٔ له»[۱].

«تقیّه دین من و دین پدران من است، و کسی که تقیّه نمی‌کند ایمان ندارد».

و امام صادق–علیه‌السّلام– فرمودند:

«إنّ تسعهَ أعشار الدّین فی التقیّهٔ و لادین لمن لاتقیّهٔ له»[۲].

«نُه دهم دین در تقیّه است، و کسی که تقیّه ندارد دین ندارد».

به یقین چنین تقیّه‌ای نه بهانه‌ای برای فرار از مسئولیّت، نه ابزاری برای محافظت از منافع مادّی، و نه حتّی دستاویزی برای فرار از مرگ است، بلکه سپری و سلاحی در راستای مبارزه با معاندان و ستمگران، و روشی برای پاسداری از کیان اسلام و مسلمین است. در شرایط ویژه‌ای همچون زمان غلبهٔ مستکبران گاهی حفظ جان یک رهبر و یا حتّی یک مسلمان عادی که ثمره‌ای بر کشته شدن او مترتب نیست و مجوّز شرعی ندارد، اقتضا می‌کند که برای در امان ماندن از صدمات دشمن باید به تقیّه عمل شود.

گاهی نیز به خاطر در امان ماندن از افشای تحرّکات اجتماعی مسلمانان و مکتوم ماندن نقشه‌هایی که برای تقویت اسلام و تضعیف جبههٔ کفر و نفاق طرّاحی شده‌اند، باید تقیّه را شعار عمل قرار داد؛ و این چیزی است که خصوصاً در دوران غیبت حضرت مهدی–علیه‌السّلام– به عنوان عاملی برای بقای شیعیان مخلص و به منزلهٔ تضمینی برای آماده‌سازی دوران ظهور، ضرورت دارد.

امام رضا–علیه‌السّلام– فرمودند:

« آنکس که پرهیز از گناه ندارد، دین ندارد. و آنکس که تقیّه نمی‌کند ایمان ندارد. همانا گرامی‌ترینِ در نزد خداوند کسی است که بیشتر به تقیّه عمل کند.

پرسیده شد: تا کی؟ ای پسر رسول خدا!

فرمود: تا روز تعیین شده که روز ظهور قائم ما اهل بیت است. پس هر کس قبل از قیام قائم ما تقیّه را ترک کند، از ما نیست»[۳].

با همین ابزار تقیّه است که می توان در صف دشمن– چه دشمنان فرهنگی، و چه دشمنان مرز و بوم اسلامی– رخنه کرد و جبههٔ آنان را از درون متلاشی نمود.

لکن متأسفانه بسیاری از شیعیان به جای شناخت درست و استفادهٔ به موقع از این وسیله مطمئن، بیشتر، دشمنان را تحریک می‌کنند و حساسیّت آنان را افزایش می‌دهند و مشت نبستهٔ خود را پیش آنان می‌گشایند.

گفتنی است که روایات متعددِ«نهی از تسمیه» که دلالت بر حرمت ذکر نام شریف«محمّد» به عنوان نام اصلی امام زمان –علیه‌السّلام– [۴] دارند، بیشتر در راستای همین تقیّه قابل توجیه هستند، و به دلایل متعدد، نه به خاطر خصوصیتی در خودِ نام

مبارک، بلکه به خاطر رعایت نکات ایمنی، به ویژه در دوران اولیّه غیبت، مورد تأکید قرار می گرفته است.

استقامت

در دوران غیبت حضرت مهدی–علیه‌السّلام– فتنه‌های فراوان پدید می‌آید و مشکلات بسیار بر سر راه دینداران و پیروان ولایت و امامت ایجاد می‌شود، تا آنجا که نگاهبانی ایمان و مواظبت بر تقوی همچون کندنِ خارهای بوتهٔ خاری[۵]، یا نگه داشتن قطعه سنگی گداخته با دست، دشوار است.

امتحانات الهی یکی پس از دیگری برای مؤمنین پیش می‌آید و میزان صبر و استقامت آنان را به بوته امتحان می گذارد.

امام صادق–علیه‌السّلام– می‌فرماید:

«امر فرج برای شما نمی‌رسد مگر پس از نابودی، نه به خدا سوگند! نمی‌رسد مگر پس از آنکه خوب و بد از هم جدا شوند، نه به خدا سوگند! نمی‌رسد مگر پس از آنکه در اثر آزمایشات گوناگون، خالص و پاک شوید»[۶].

اساساً انتظار با آنهمه فضایل و برکاتی که دارد جز با صبر و شکیبایی حاصل نمی‌شود.

پیامبر اکرم–صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم– فرمود:

«انتظار الفرج بالصبر عبادة»[۷].

«به وسیله صبر و استقامت، منتظر فرج بودن، عبادت است».

و امام رضا–علیه‌السّلام– می‌فرماید:

«ما احسن الصبر و انتظار الفرج... فعلیکم بالصبر...»[۸].

«چه نیکو است شکیبایی به همراه انتظار فرج... بر شما باد استقامت و شکیبایی».

آیا می‌توان پذیرفت که اجر منتظرین برابر اجر هزار شهید همانند شهدای بدر و اُحد باشد[۹]، و انتظار، بالاترین عبادت[۱۰]، بلکه بالاترین جهاد امتِ پیامبر به شمار آید[۱۱]. با این‌همه بدون استقامت و پایداری لازم، حاصل گردد؟

آیا می‌شود قبول کرد که منتظران حضرت مهدی–علیه‌السّلام– همچون مجاهدان شهید به خون غلطیده در راه خدا باشند[۱۲]، اما این درجه والا را بدون تحمل سختی‌ها و مرارت‌ها و شکنجه‌های فراوان به دست آورند؟

که رسول خدا–صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم– می‌فرماید:

«طوبی للصّابرین فی غیبته، طوبی للمقیمین علی محجّتهم»[۱۳].

«خوشا به حال شکیبایان در غیبت مهدی–علیه‌السّلام– خوشا به حال آنان که بر راه اهل بیت ثابت قدم می‌مانند».

---

[۱] . وسائل الشیعه، ۲/۵۴۴.

[۲] . مدرک پیشین.

[۳] . کمال‌الدین، شیخ صدوق، ص ۳۷۱.

[۴] . مدرک پیشین، ص۳۳۳و ۳۳۸ و ۳۷۸.

[۵] . کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۴۶؛ بحارالانوار، ج ۵۲،ص ۱۲۴.

[۶] . مدرک پیشین.

[۷] . مدرک پیشین،ص ۱۴۵.

[۸] . مدرک پیشین، ص ۱۲۹.

[۹] . مدرک پیشین، ص ۱۲۵.

[۱۰] . نهج‌الفصاحه، ص۷۸.

[۱۱] . بحارالانوار، ج۵۱، ص۱۵۶.

[۱۲] . بحارالانوار، ج۵۲،ص۱۲۳.

[۱۳] . مدرک پیشین، ص۱۴۳.

سرسپاری به فرمان و فتوای فقیهان

سرسپاری به فرمان و فتوای فقیهان

نهان زیستی پیشوا هرگز به معنای وانهادگی پیروان او نیست.

غیبت امام زمان–علیه‌السّلام– هرگز به معنای تعطیل امامت او نیست.

امام در غیبت هم، به لوازم امامت عمل می‌فرماید. ثمرات وجودی او همیشگی است، تأثیرات عملی او هم به دلیل عقلی و هم به شهادت تجربه‌های فراوان اثبات‌شدنی است.

او اگر چه بنا به حکمت‌های الهی، پنهان از دیدگان مردم عادی زندگی می‌کند، اما نشانه‌های حضور او در نزد اهل بصیرت آشکار است.

«بنفسی انت من مغیّب لم یخل منّا، بنفسی انت من نازح ما نزح عنّا»[۱].

«جانم به فدای تو! غایب شده‌ای که بیرون از ما نیست، جانم به فدای تو! دور از وطنی که از ما دور نیست».

«ان غاب عن الناس شخصه فی حال هدنهٔ لم یغب عنهم مثبوت علمه»[۲].

«اگر چه در آرامش دوران غیبت، شخص او از دیدگان مردم پنهان است، اما دانش ثابت شدهٔ او از دیدهٔ بصیرت آنان پنهان نمی‌ماند».

هم او به حال مردم آگاه است و هم آگاهی‌های به ودیعت نهاده شدهٔ او در نزد مردم، حاضر است.

مردم اگر چه او را نمی‌بینند،اما فرمان‌هایش را می‌پذیرند.

و بدین‌گونه است که نقش فقیهان که نمایندگان امام زمان–علیه‌السّلام– هستند، نمایان می‌گردد.

مردم با فرمانبری از فقیهان، فرمان امام معصومِ‌خویش را اطاعت می‌کنند.

زیرا امام صادق–علیه‌السّلام– فرمود:

«و امّا من کان من القفهاء، حافظاً لدینه، صائناً لنفسه، مخالفاً لهواء، مطیعاً لامر مولاه، فللعوام ان یقلّدوه»[۳].

«هر کس از فقیهان که نگهدارندهٔ دین و نگاهبان جان و مخالف هوای نفس خود و اطاعت‌کنندهٔ فرمان مولای خویش باشد بر مردم است که از او تقلید و تبعیّت کنند».

و خود فرمود:

«و امّا الحوادث الواقعهٔ فارجعوا فیها الی رواهٔ حدیثنا فانّهم حجتّی علیکم و انا حجهٔالله علیهم»[۴].

«در پیشامدهای روزگار به راویان حدیث ما مراجعه کنید زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنانم».

با چنین دیدگاهی است که «فقیه» استمراردهندهٔ خط امامت امام زمان و پاس دارندهٔ مرزهای ولایت آن بزرگوار و منعکس‌کنندهٔ فرمایشات و فرمان‌های او به پیروان و ارادتمندان او است.

---

[۱] . دعای ندبه.

[۲] . منتخب الاثر، ص ۲۷۲.

[۳] . بحارالانوار، ج ۲، ص ۸۸.

[۴] . بحارالانوار،ج۵۳،ص ۱۸۱.

دعا برای فرج امام زمان (علیه السّلام)

دعا برای فرج امام زمان (علیه السّلام)

دعا برای امام زمان (علیه السّلام)

دعا جلوه‌گاه نیاز است، دری به سوی رحمت پروردگار است، کلید باب اجابت است.

بدون دعا، اوج بندگی خدا دست‌نیافتنی است.

بدون دعا، بندگان خدا از عنایت او محروم می مانند.

«قل ما یعبؤ بکم ربّی لولا دعاءکم»[۱].

بدون دعا، لذّت انس با خدا، شیرینی ارتباط با معبود، حلاوت قرب به پروردگار نصیب آفریدگان او نمی‌شود.

دعا اساس عبادت، روح عبادت، مغز عبادت است[۲].

امّا در دوران غیبت حضرت مهدی-علیه‌السّلام- شاید نیاز بندگان به دعا بیش از هر زمان دیگری باشد، زیرا از رحمت حضور خلیفهٔ رحمان محروم مانده‌اند و درماندگی و اضطرار را با تمام وجود حس کرده‌اند.

«امّن یجیب المضطرّ اذا دعاه و یکشف السّوء و یجعلکم خلفاء الارض»[۳].

شیرین و در عین حال شگفت است که مردم ما در هر بلاـ و مصیبت و برای شفای هر مریض و حلّ هر مشکل و روا شدن هر حاجتی، آیه‌ای را می‌خوانند که به گونه‌ای صریح آنان را به دعا برای امام زمان-علیه‌السّلام- و برطرف شدن بلای غیبت و به خلافت رسیدن مؤمنان تشویق می کند.

«کیست- غیر از خدا- آن کس که درمانده را- وقتی که دعا می‌کند و او را می‌خواند- اجابت کند و گرفتاری او را برطرف کند و شما را جانشینان زمین قرار دهد؟».

این آیه به امام زمان-علیه‌السّلام- و منتظران او تأویل شده است[۴].

باید برای امام زمان-علیه‌السّلام- دعا کرد، برای سلامتی او، برای ایمنی او، برای عزّت او، برای نصرت و تأیید او، برای تعجیل ظهور او، برای تحقق اهداف او، باید همیشه خدا را خواند.

امامان بزرگوار که پیشوایان راه سعادت بشریت‌اند، هم خود برای امام زمان-علیه‌السّلام- و ظهورش دعا کرده‌اند و هم دیگران را به چنین دعایی دعوت کرده‌اند:

یونس بن عبدالرحمان گوید: امام رضا-علیه‌السّلام- همواره به دعا برای صاحب امر-علیه‌السّلام- امر می‌فرمود:

«انّ الرضا-علیه‌السّلام- کان یأمر بالدعاء لصاحب الامر»[۵].

دعا برای فرج

دعا برای فرج در بین همهٔ دعاها از ویژگی خاصّی برخوردار است، ده‌ها روایت از پیامبر اکرم ـ صلّی الله علیه و آله ـ و امامان معصوم ـ علیهم السّلام ـ در ترغیب مؤمنین به چنین دعایی وارد شده و علاوه بر آن ده‌ها دعای کوتاه و بلند مشتمل بر سوز و گداز برای تعجیل فرج از ناحیهٔ آن بزرگواران روایت گردیده است که گواه گویایی بر اهمیّت این دعا و اهتمام آنان به چنین دعایی به شمار می آید.

انگیزاننده‌ترین تعبیرات این روایت‌ها، فرمایشاتی است که دعای برای فرج را قرین و همراه همیشگی انتظار[۶]، بلکه مصداق چشم انتظاری و تحقق‌بخش انتظار فرج می‌شمارد و دعاکننده را از خاصّان یاوران حضرت مهدی–علیه‌السّلام– به حساب می‌آورد[۷].

امام صادق–علیه‌السّلام– می‌فرماید: «هر کس بر بلا شکیبا باشد و به وسیلهٔ دعا چشم انتظار فرج از سوی خدا باشد، از خاصّان به شمار می‌آید».

و امام زمان–علیه‌السّلام–خود می‌فرماید:

«اکثروا الدعاء بتعجیل الفرج، فانّ ذلک فرجکم»[۸].

«برای تعجیل در فرج و ظهور من بسیار دعا کنید، همانا این کار برای خودتان گشایش خواهد بود».

دعا کنید؛ اگر شیعهٔ چشم انتظارید باید برای نزدیک‌تر شدن فرج دعا کنید.

بسیار دعا کنید؛ اگر فتنه‌های دوران غیبت را دریافته‌اید و اهمیت ظهور را می‌دانید، باید بسیار دعا کنید.

برای تعجیل فرج؛ بسیار دعا کنید که همانا همین دعا کردن فرج و گشایش شما است.

با همین بسیاری دعا است که خدا عنایات خاصه‌اش را شامل حال شما می گرداند؛

با همین بسیاری دعا است که بصیرت شما افزایش می‌یابد و در شناخت عوامل فتنه تواناتر می‌شوید؛

با همین بسیاری دعا است که امیدتان به پیروزی فزونی می گیرد و توان استقامت بیشتر می‌یابید؛

با همین بسیاری دعا است که بازوان همّت‌تان قدرتمندتر می‌شود و روح مبارزه با باطل در درون‌تان اوج می گیرد؛

با همین بسیاری دعا است که خدا عنایت خاصّه‌اش را شامل حال شما می‌گرداند و تأثیرات و توفیقاتش را نصیب شما می‌سازد؛

و همین‌ها خود والاترین مصادیق فرج و روشن‌ترین جلوه‌های گشایش‌اند[۹].

وظایف دوران غیبت را به چند دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱– آنچه در روایات این باب، با لفظ امر وارد گردیده به عنوان تکلیف شمرده شده است. مانند:

«اکثروا الدعاء بتعجیل الفرج»[۱۰].

«برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید».

«فتوقّعوا الفرج صباحاً و مساءً»[۱۱].

«هر صبح و شام چشم انتظار فرج باشید».

«فلیعمل کلّ امرءٍ منکم بما یقرب به من محبّتنا»[۱۲].

«هر یک از شما باید به آنچه که او را به مقام محبّت ما نزدیک می کند، عمل نماید».

۲– آنچه در باب صفات شیعیان و منتظران، مورد تأکید اهل بیت–علیه‌السّلام– قرار گرفته است. مانند:

«طوبی للصّابرین فی غیبته، طوبی للمقیمین فی محبّته»[۱۳].

«خوشا به حال شکیبایان در غیبت او، خوشا به حال دوستداران او».

«المنتظرین لظهوره... الدعاة الی دین‌الله سرّاً و جهراً»[۱۴].

«منتظران ظهور امام زمان–علیه‌السّلام– در پنهان و آشکار، مردم را به دین خدا دعوت می کنند».

۳– آنچه به طور منطقی با بررسی ابعاد غیبت و انتظار و ظهور، به دست می‌آید. مانند:

م دفاع از آرمان‌های امام زمان در دوران غیبت.

م دشمن‌شناسی و مراقبت بر تحریف نشدن معنا و مسیر انتظار توسط دشمن.

م آماده سازی زمینهٔ ظهور.

م تطبیق دادن خود و جامعه بر معیارهای ارائه شده نسبت به دوران پس از ظهور.

۴- آنچه در تأسی به بزرگان و عالمان دینی در حدّ وظیفه باید مورد پیروی قرار گیرد. مانند:

م مواظبت بر اذکار و زیارت‌هایی خاصّ.

م مداومت بر انجام اعمال مستحبّی در جهت ایجاد قرب معنوی به امام زمان-علیه‌السّلام.

در پایان این مقال ذکر هشتاد مورد را-که در کتاب شریف «مکیال المکارم» تألیف مرحوم حاج میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی، بـا استفاده از احـادیث گوناگون به عنوان وظایف مردم در دوران غیبت امام زمان-علیه‌السّلام- گردآوری شـده است- ثمربخش و تذکرآفرین یافتیم.

امید آنکه خداوند در ادای تکلیف نسبت به ساحت مقدّس آن حضرت همهٔ ما را یاری فرماید.

۱- شناخت امام زمان-علیه‌السّلام- : م شناخت صفات

م شناخت آداب

م شناخت ویژگی‌ها

م شناخت علائم ظهور

۲- رعایت ادب نسبت به ذکر نام‌های شریف آن حضرت.

۳- محبّت خاصّ نسبت به آن حضرت.

۴- محبوب ساختن آن عزیز، در نزد مردم.

۵- انتظار فرج و ظهور آن بزرگوار.

۶- اظهار شوق برای دیدار آن حضرت.

۷- ذکر فضایل و مناقب او در بین مردم.

۸- اندوه در فراق آن بزرگوار.

۹- حضور در محافل ذکر فضایل آن بزرگوار.

۱۰- برپایی مجالسی به نام صاحب‌الزمان-علیه‌السّلام-

۱۱و ۱۲- سرودن شعر و قرائت آن در فضایل مولا.

۱۳- برخاستن در هنگام ذکر اسم شریف و القاب آن بزرگوار.

۱۵،۱۴و ۱۶- گریستن، گریاندن و خود را به گریه وادار کردن در فراق آن امام همام.

۱۷- درخواست معرفت و شناخت نسبت به آن حضرت، از خدای عزوجل.

۱۸- مداومت بر این دعا:

«اللهم عرّفنی نفسک فانّک ان لم تعرّفنی نفسک لم أعرف نبیّک، اللهم عرّفنی رسولـک، فانّک ان لم تعرّفنی رسولک لم أعرف حجّتک، اللهم عرّفنی حجّتک فانّک ان لم تعرّفنی حجّتک ضللتُ عن دینی»[۱۵].

«بـار خـدایا تو مرا به خود شـناسا کن که اگر خودت را به من نشـناسانی پیغمبرت را نخواهم شـناخت، با خـدایا تو رسولت را به من بشـناسان که اگر رسـول خـود را به من نشناسانی حجّتت را نخـواهم شـناخت، پروردگـارا حجّت خودت را به من بشـناسان که اگر حجّت خود را به من نشناسانی از دین خود گمراه خواهم شد».

۱۹- مداومت بر دعای غریق:

«یا الله یا رحمن یا رحیم یا مُقلّب القلوب ثبّت قلبی علی دینک»[۱۶].

«ای خداوندا! ای رحمان! ای مهربان!ای دگرگون‌کنندهٔدل‌ها! مرا بر دینت پایدار کن».

۲۰- مداومت بر دعایی که مرحوم ابن طاووس نقل نموده است:

«اللهم انت عرّفتنی نفسک و عرّفتنی رسولک و عرّفتنی ملائکتک و عرّفتنی نبیّک و عرّفتنی ولاهٔ أمرک؛ اللهمّ لاآخذُ إلّا ما أعطیتَ وَ لا أوقی إلّا ما وَقیتَ اللهمّ لاتغیّبنی عن منازل اولیائک و لاتزغ قلبی بعد إذ هدیتنی اللهمّ اهدنی لولایهٔ من فرضت طاعته...».

«بار خدایا! تو خودت و فرستاده‌ات و فرشتگانت و پیغمبرت و والیان امرت را به من شناسانیدی، بار خدایا! من نگیرم جز آنچه تو عطا کنی، و هیچ نگهدارنده‌ای جز تو برایم نیست، بار خدایا! مرا از منازل دوستانت دور مگردان و دلم را پس از آنکه هدایت کرده‌ای منحرف منمای، بار خدایا! مرا به ولایت کسی که اطاعتش را بر من واجب ساخته‌ای هدایت فرما».

۲۱- شناخت علامت‌های ظهور آن حضرت.

۲۲- تسلیم امر الهی بودن نسبت به مسئله غیبت و ظهور آن حضرت و عجله نکردن.

۲۳- صدقه دادن به نیابت از امام زمان-علیه‌السّلام-

۲۴- صدقه دادن برای سلامتی امام زمان-علیه‌السّلام-

۲۵و ۲۶- رفتن به حج و فرستادن دیگران به حج به عنوان نیابت از امام زمان-علیه‌السّلام-

۲۷- طواف مستحبّی خانهٔ خدا به نیابت از آن حضرت.

۲۸و ۲۹- زیارت مشاهد پیامبر-صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم- و معصومین-علیهم‌السّلام- به نیابت از آن حضرت.

۳۰- فرستان دیگران به زیارت آن مقامات به نیابت از امام زمان-علیه‌السّلام-

۳۱- تلاش در راه خدمت به آن حضرت، از هر طریقی که ممکن باشد.

---

[۱] . سوره فرقان، آیه ۷۷.

[۲] . «الدعاء مخّ العبادهٔ». رسول اکرم-صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم- نهج الفصاحه.

[۳] . سوره نمل، آیه ۶۲.

[۴] . المحجّهٔ فی ما نزل فی القائم الحجّهٔ ، ذیل آیه شریفه.

[۵] . بحارالانوار، ج۹۲، ص ۳۳۰.

[۶] . «علیکم بالدعاء و انتظار الفرج». مهج الدعوات، ص۴۱۴؛ بحارالانوار، ج۹۵، ص۳۳۶.

[۷] . بحارالانوار،ج۶۲، ص۶۹، روایت ۲۳، باب ۵۰.

[۸] . کمال‌الدین،ج۲،ص۴۵۸.

[۹] . در کتاب مکیال‌المکارم، ج۱، مورد ۹۰، از ثمرات و فوایدی که ازدیدگاه مؤلف آن بر دعا برای تعجیل فرج مترتب است برشمرده شده است.

[۱۰] . کمال‌الدین، ج۲، ص۴۸۵.

[۱۱] . کمال‌الدین،ج۲، ص۳۳۷،ح۱۰.

[۱۲] . احتجاج طبرسی،چاپ اسوه،ج۲،ص۵۹۹.

[۱۳] . الزام الناصب، ص۱۸. ینابیع المودهٔ ، ج۳، ص ۱۰۱.

[۱۴] . بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۲۲.

[۱۵] . اصول کافی، ۱/۳۳۷.

[۱۶] . کمال‌الدین:۲/۳۵۱،باب ۳۳، ح۴۹. ۳۲- کوشش در راه یاری امام زمان-علیه‌السّلام-

۳۳- نیّت قطعی داشتن برای یاری آن بزرگوار در زمان ظهور.

۳۴- بعد از هر نماز واجب، با آن حضرت به وسیلهٔ عبارات و دعاهای خاص، تجدید بیعت نمودن.

۳۵- مصرف اموال در راه‌هایی که مورد رضایت امام زمان-علیه‌السّلام- است.

۳۶- ارتباط با شیعیان و دوستان امام زمان-علیه‌السّلام- و کمک مالی به آنان.

۳۷- شاد ساختن شیعیان.

۳۸- خیرخواهی برای امام زمان-علیه‌السّلام-

۳۹- زیارت کردن او و سلام دادن بر او در هر مکان و زمان.

۴۰- زیارت مؤمنین و صالحین به قصد ثواب زیارت مولا.

۴۱- صلوات فرستادن بر آن حضرت.

۴۲- اهدای ثواب صلوات بر پیامبر-صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم- به آن حضرت.

۴۳- نماز خواندن و اهدای ثواب آن به امام زمان-علیه‌السّلام-

۴۴- نماز هدیه به کیفیت خاصّ.

۴۵- قرائت قرآن به آن حضرت و شفیع قرار دادن ایشان در نزد خدا.

۴۶- توسّل به آن حضرت و شفیع قرار دادن ایشان در نزد خدا.

۴۷- توجّه و استغاثه به آن حضرت و حاجت خواستن از ایشان.

۴۸- دعوت و راهنمایی مردم به سوی آن حضرت.

۴۹- رعایت حقوق آن حضرت.

۵۰- خشوع قلبی داشتن، در هنگام یاد کردن آن بزرگوار.

۵۱- اظهار کردن دانش در برابر ظهور بدعت‌ها.

۵۲- تقیّه در برابر اشرار، و کتمان سرّ در مقابل اغیار.

۵۳- شکیبایی در مقابل اذیت‌ها و تکذیب دیگران و تحمّل محنت‌ها.

۵۴- درخواست صبر از خدا در دوران غیبت آن حضرت.

۵۵- یکدیگر را به صبر دعوت نمودن.

۵۶- شرکت نکردن در مجالسی که در آنها استهزاء به امام زمان-علیه‌السّلام- می‌شود.

۵۷- مدارا با اهل باطل.

۵۸- دوری از شهرت.

۵۹- تهذیب نفس.

۶۰- همبستگی و اتحاد برای یاری آن حضرت.

۶۱- توبهٔ واقعی و بازگرداندن حقوق مردم به آنان.

۶۲و ۶۳- پیوسته به یاد امام زمان-علیه‌السّلام- بودن، و عمل به آداب آن حضرت.

۶۴- درخواست از خدا نسبت به یادآوری همیشگی امام زمان-علیه‌السّلام-

۶۵- خشوع و خضوع در برابر آن حضرت.

۶۶- طلب رضایت امام زمان-علیه‌السّلام-

۶۷- بزرگداشت کسانی که از نظر سیادت یا روحانیت به امام-علیه‌السّلام- نزدیک هستند.

۶۸- بزرگداشت مکان‌های منتسب به آن حضرت مانند مسجد مقدس جمکران، مسجد سهله و سرداب مقدّس سامراء.

۶۹و ۷۰- اجتناب از تعیین وقت برای ظهور، و تکذیب تعیین‌کنندگان وقت ظهور آن حضرت.

۷۱- تکذیب مدّعیان وکالت و نیابت خاصّهٔ آن حضرت.

۷۲- دعا برای توفیق دیدار صاحب‌الزمان-علیه‌السّلام-

۷۳- اقتدا و تأسی نمودن به اخلاق و اعمال امام زمان-علیه‌السّلام- و ترک اظهار خوشایندی از آنچه نزد دشمنان آن حضرت است.

۷۴- حفظ زبان از غیر یاد خداوند و فضیلت سکوت.

۷۵- بجا آوردن نماز حضرت حجّت-علیه‌السّلام-

۷۶- گریه بر مصائب مولای‌مان، شهید مظلوم امام حسین-علیه‌السّلام-

۷۷- زیارت قبر امام حسین-علیه‌السّلام-

۷۸- زیاد نفرین و لعن کردن بر بنی‌امیّه.

۷۹- کوشش کردن در ادای حقوق برادران دینی به عنوان یاری امام زمان-علیه‌السّلام-

۸۰- فراهم آوردن سلاح و مرزبانی.

ندبه و زاری

ندبه و زاری

غیبت حضرت مهدی-علیه‌السّلام- برای همهٔ شیعیان، بلکه برای همهٔ مسلمانان بلایی سخت و ابتلایی بزرگ به شمار می‌رود[۱]. دروی از امام زمان-علیه‌السّلام- دوری از سرچشمه نور است، و غیبت او همچون نهانی خورشید است که ظلمت را بر سراپردهٔ هستی می‌گستردو ضلالت و سرگشتگی بندگان خدا را باعث می شود[۲]. در چنین شرایط سختی گریه و زاری بندگان در پیشگاه خدا می‌تواند راه نجاتی بگشاید و باران اشک بلازدگان می‌تواند شعله‌های فتنه را خاموش سازد.

«وَ أَخَذْنا أَهْلَها بِالبَأساءِ وَ الضَّرّاءِ لَعَلَّهُمْ یَضَّرَّعُونَ».

«آنان را به سختی‌ها و گرفتاری‌ها و شداید روزگار مبتلا می‌سازیم، شاید که به درگاه خدا تضرّع و زاری نمایند».

این سنّت بی‌تبدیل خداست که سرنوشت آدمیان را براساس انگیزه‌ها عمل کردهای آنان تقدیر می‌فرماید، تا آنان را در اثر ناسپاسی‌ها،پیمان‌شکنی‌ها، شرارت و نافرمانی‌های خود آنان به گرفتاری‌های فراوان و مشکلات طاقت‌فرسا دچار می‌سازد، امّا همواره براساس رحمت و عطوفت خویش به برکت یک بازگشت پشیمانانه و درخواست ملتمسانه و گریهٔ عاجزانه، رهایی و آسانی را جایگزین گرفتاری و مشکلات می‌سازد.

«وجود امام زمان-علیه‌السّلام- لطف است و غیبت او از ماست»[۳].

غیبت پی‌آمد کفران نعمت ولایت است، نتیجهٔ قدر ناشناسی انسان‌ها نسبت به مقام عظمای امامت است، اثر طبیعی سوزاندن پرچم هدایت و درهم شکستن کشتی نجات اهل بیت -علیه‌السّلام- است.

و چه زیباست که در روایات فرموده‌اند:

«لایَنْجُو مِنْها إلّا مَنْ دَعی دُعاءَ الغَریقْ»[۴].

«از غیبت و مشکلات آن نجات نمی‌یابد مگر کسی که دعاء غریق را بخواند-یا چونان انسان گرفتار شده در غرقاب، با نهایت

بیچارگی و شدّت اضطراب خدا را بخواند»[۵].

و همین است سرّ این همه تأکید بر مداومت نسبت به دعای ندبه، دعای زاری منتظران، دعای گریهٔ چشم انتظاران، دعای ندبه‌ای که در آن می‌خوانیم:

تا کی سرگشته و سرگردان تو باشم؟ مولای من!

تا کی و با چه بیانی تو را بستایم و چگونه نجوا سر کنم؟

برمن سخت است که از غیر تو پاسخ شنوم و جز تو دلداریم دهد.

بر من سخت است که من بر تو بگریم و دیگران تو را واگذارند.

بر من سخت است که سختی‌ها نه بر آنان بلکه بر تو وارد آید.

آیا کمک‌دهنده‌ای هست که پا به پای او ناله‌های طولانی و گریه‌های همیشگی داشته باشم؟

آیا زاری‌کنندهٔ بی‌تابی هست که در تنهایی‌هایش با زاری و بی‌تابی خود یاریش کنم؟

آیا چشمی هست که خار در آن خلیده باشد و چشمان من در ناراحتی و دردِ این خار خلیدگی، با آن همراهی کند؟

آه! ای فرزند پیامبر–صلی‌الله‌علیه‌والهوسلم– آیا به سوی تو راهی هست، تا شرف دیدار حاصل آید؟

«اللهم إنّا نَرْغَبُ اِلَیْکَ فی دَولَةٍ کَریمة تُعِزُّ بِهَا الإسلامَ وَ اَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفاقَ وَ اَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنا فیها مِنَ الدُّعاةِ اِلی طاعَتِکَ وَ الْقادَةِ اِلی سَبیلِکَ وَ تَرْزُقُنا بِها کَرامَةَ الدُّنیا وَ الآخِرَةِ».

---

[۱] . کمال‌الدین، شیخ صدوق، ص۳۳۵.

[۲] . مدرک پیشین، ص۳۴۲.

[۳] . کلامی مشهور از مرحوم خواجه نصیرطوسی.

[۴] . کمال الدین، شیخ صدوق، ص۳۴۹.

[۵] . کمال الدین، شیخ صدوق، ص۳۴۹.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره

الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰

۵۳-۶۰۹۰به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام –: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹